

آیا تریش تنها نمونه است؟

*** دولت سوئیس برای دو جاسوس جمهوری اسلامی
قرار منع تعقیب صادر کرد.**



دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۶۸ برابر ۲۱ آگوست ۱۹۸۹
بمساهه عربیال بحال ششم شماره ۲۷۱

دلایل مقامات سوئیس برای چشم پوشی از پیگرد قضایی دو نفر مذکور شنیدنی است. بنا به ادعای این مقامات یکی از جاسوسها که یک زن است به این دلیل تحت پیگرد قرار نگرفته است که مجبور به جاسوسی شده است. ظامرا این زن تهدید شده بود که در صورت عدم جاسوسی بقیه در صفحه ۲

روزنامه های سوئیس خبر می دهند که شورای وزیران این کشور از پیگرد قضایی دو نفر که برای جمهوری اسلامی ایران جاسوسی می کرده اند خودداری کرد. این دو نفر که ملیت شان اعلام نشده ساکن ژنو بوده و برای منوچهر طالع - سرکنسول وقت ایران - جاسوسی می کرده اند.

در این شماره

*** ترازوی جنگ در لبنان**

در صفحه ۱۲

*** تأملی**

بر روی برخی مسائل تاریخی

در صفحه ۸

*** بازی با جان پناهندگان**

در صفحه ۶

*** تحولات حاد سیاسی در لهستان**

در صفحه ۱۲

*** "چرا کمونیست هستیم"**

در صفحه ۱۲

جدال حاد جناح ها بر سر تعیین کابینه

*** ۱۳۷ تن از نمایندگان مجلس در اعتراض به کنار گذاشتن
محتشمی، نامه ای انتشار دادند.**

نظارت بر انتخابات از جمله انتخابات مجلس را تعیین می کنند، در اختیار داشتن کمیته ها و شهربانی و... بخشی از امکانات وزارت کشور و اختیارات وزیر آن را رقم می زند در جمهوری اسلامی هر کس وزارت کشور را در اختیار داشته باشد می تواند طرفداران جناح خود را در مجلس در دور بعدی آن بشدت افزایش دهد. دومین عامل تمرکز جنگ قدرت بر سر تعیین وزیر کشور، نقش خود محتشمی است. بقیه در صفحه ۲

رژیم نیز، فلاحیان معرفی شده است. تمرکز کشمکشها و جنگ قدرت در رژیم جمهوری اسلامی بر روی تعیین پست وزارت کشور از دو عامل ناشی می شود. نخست آنکه وزارت کشور در جمهوری اسلامی از نقش و قدرت بسیار زیادی برخوردار است. امکانات این وزارتخانه اهرم بسیار مهمی در اعمال فشار و تسخیر دیگر نهادها و مراکز قدرت شمرده میشود. تعیین استانداران و فرماندارها که علاوه بر اختیارات خود، هیات های

روز شنبه ۲۸ مرداد هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور جدیدالانتصاب حکومت اسلامی اعضا دولت خود را به مجلس رژیم معرفی کرد. در این کابینه تغییراتی داده شده است که جناح "حزب الله افراطی" را برآشفته است. از جمله بر اساس گزارش خبرگزاری ها محتشمی وزیر سابق کشور در دولت معرفی شده توسط رفسنجانی حضور نداشته و پست وزارت کشور به فرد دیگری، عبدالله نوری سپرده شده است. به جای ری شهری وزیر ساواک



جمهوری اسلامی حکومت قباهی و مرگ

خیابانی در تبریز - ۹ انسان با طناب های آویخته از چنگک یک جرثقیل حلق آویز شده اند. آخوندهای جنایتکار همه چیز را ویرانه و بیمار میخوانند. روان اجتماعی را نیز. کودکی که به مدرسه می رود، جوانی که کار می کند و دانش می جوید، زنی که برای ایستادن در صف از خانه بیرون آمده است و دیگران باید نوسان جنازه ها را در بالای سر خود ببینند. مرگ باید هادی تلقی شود، حکومت مرگ آفرین نیز، آخوندهای آدمکش این را می خواهند.

آیا اتریش تنها نمونه است؟

جدال حاد جناح‌ها

بر سر تعیین کابینه

بقیه از صفحه اول

کشته خواهد شد. وزارت کشور سوئیس که به پیشنهادش قرار منع پیگرد صادر شده است اعلام کرده است: "ما به‌ویژه این نکته را، که یکی از این دو نفر در اثر فشار ناشی از خطری که جانش را تهدید می‌کرده به فعالیت‌های اطلاعاتی تن داده است، در نظر داشته‌ایم."

دلیل منع پیگرد نفر دوم هم این بوده که "در صورت اقدام به محاکمه او، امکان خطر جدی برای جان او وجود داشته است."

جانب توجه است که اگرچه تصمیم مذکور روز ۱۴ ژوئیه، مصادف با دویستمین سالگرد انقلاب فرانسه، از طرف شورای وزیران و توسط آرنولد کولر رئیس دیپارتمان دادگستری و پلیس اخذ شده است اما مقامات سوئیس تا یازدهم ماه اوت هیچ چیز در این باره اعلام نکردند. خبر روز یازدهم اوت توسط رسانه‌های گروهی فاش شد.

لازم به یادآوریست که روز ۱۴ دسامبر ۱۹۸۸ تعدادی از هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثريت) به کنسولگری ایران در ژنو حمله برده و آن را اشغال کردند. در این جریان اسنادی به دست آنان افتاد که حکایت از نقش مستقیم منوچهر طالع هم در معاملات قاچاق اسلحه و هم در فعالیت‌های جاسوسی علیه ایرانیان مقیم سوئیس داشت. با انتشار این اسناد منوچهر طالع روز ۲۹ مارس گذشته بخاطر اقدامات غیرقانونی‌اش از سوئیس اخراج شد.

پلیس سوئیس مدعی است که قبل از واقعه اشغال کنسولگری و انتشار اسناد مذکور نیز اقدام به تشکیل پرونده‌ای برای منوچهر طالع کرده و مشغول تحقیق درباره فعالیت‌های او بوده است. در جریان این تحقیقات دو جاسوس مذکور شناسایی و دستگیر می‌شوند و هلیر هم اینکه جاسوسی آنها محرز شده است، بعداً به دلایلی

که ذکر شد آزاد می‌شوند. تحقیقات پلیس این را هم آشکار کرده است که این دو تن اطلاعاتی را در مورد مهاجران ایرانی در سوئیس در اختیار سرکنسولگری ایران می‌گذاشته‌اند. این اقدامات در سوئیس جرم سیاسی محسوب می‌شود و صدور حکم پیگرد در چنین مواردی از وظایف شورای وزیران است.

شورای وزیران سوئیس، جاسوسی را ظاهراً بخاطر اینکه به مرگ تهدید شده است و به‌همین خاطر دست به جاسوسی زده است آزاد می‌کند و بهانه "اما امکان خطر جدی برای جان جاسوس دوم را - بی‌آنکه مشخص کند این خطر از کدام طرف است: مهاجران ایرانی یا مقامات جمهوری اسلامی؟ - مطرح می‌کند" اما امکان خطر کاملاً جدی‌تر برای جان مهاجران ایرانی در اثر فعالیت‌های جمهوری اسلامی را از نظر دور می‌اندازد. این یعنی دخالت دادن ملاحظات دیپلماتیک مرتبط با مناسبات سوئیس و ایران در تصمیمات دولت سوئیس. از این قرار اقدام دولت اتریش در سرپوش‌گذاشتن بر واقعه و افعیات ترور دکتر عبدالرحمن قاسمی تنها نمونه نیست. پنج هفته از این ترور می‌گذرد بی‌آنکه اسرار دیگر آشکاران رسانه‌ای و هم‌ملین آن معرفی شوند. همچنانکه ما در نشریه "اکثريت" در این باره هشدار داده بودیم، اطلاعاتی نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران نیز تصریح می‌کند:

"اخبار واصله از اتریش حاکی است که دولت اتریش نه تنها آنطور که باید تحقیق در مورد قضیه ترور دکتر عبدالرحمن قاسمی دیرکمل حزب دمکرات کردستان ایران و همراهانش را به انجام نرسانده است، بلکه سعی بر این دارد که تعقیب این حادثه را فدای پاره‌ای ملاحظات دیپلماتیک و اقتصادی

بقیه از صفحه اول

محتشمی مهمترین مهره اجرایی جناح "بنیادگرایان افراطی" درون حکومت است. این جناح که افرادی چون پسر خمینی، موسوی خوئینی‌ها و چهره‌های سرشناس آن را تشکیل می‌دهند، در زمینه‌های حد نظارت و دخالت دولت در امور تجاری و اقتصادی، سیاست خارجی، حداتکا به تروریسم در خارج از مرزها، حد تشفیص و خامت اوضاع رژیم، نحوه برنامه‌ریزی و سیاست‌های اقتصادی، ضرورت رعایت ظاهری و توجه به برخی ملاحظات و مصالح و... با هاشمی رفسنجانی و جناحش اختلاف نظر و روش دارند. بر همین اساس کنار گذاردن محتشمی برای رفسنجانی هم اهمیت عملی و هم نمادین دارد.

محتشمی با کاشتن استانداران مورد نظر خود توانست در دور گذشته انتخابات مجلس به‌ثقل قابل اتکایی از طرفداران جناح خود را در مجلس پدید آورد همین افراد هم اکنون نسبت به هدم حضور محتشمی در کابینه رفسنجانی ابراز نارضایتی کرده‌اند. تعداد ۱۳۷ تن از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای خواستار ابقا محتشمی در پست وزارت کشور شده‌اند. با توجه به این امر مشکلات رفسنجانی در گرفتن رای اعتماد از مجلس ۲۷۰ نفری کنونی برای برخی از وزارتخانه‌ها رخ می‌نماید. این

نماید.

در حالیکه دولت اتریش ادعا می‌کند دستگاه قضایی در آن کشور مستقل از دولت عمل می‌کند، بنا به اقرار پلیس این کشور حکم دستگیری تروریست (امیر منصور بزرگیان) به دخالت وزارت امور خارجه این کشور لغو گردیده است."

سوئیس نیز همین‌چنین می‌کند. اما اتریش و سوئیس و

وضعیت در شرایطی که خمینی نیز سر در زیر خاک دارد و فرد دیگری نیز وجود ندارد که بتواند با اتکا به نفوذ خود در میان حکومتیان حرف آخر را بزند، در ماندگی رژیم را آشکارتر میکند. انتخاب کروی به سمت ریاست مجلس آخوندی که هفته گذشته صورت گرفت تسلط جناح مخالف دارودسته رفسنجانی بر مجلس را نشان میدهد. محتشمی که روابط گسترده‌ای با شبکه‌های تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور و گروه‌های تروریستی مسلمان در لبنان دارد، در هفته‌های اخیر کوشید از طریق تشدید بحران گروگان‌گیری در لبنان و حملاتی که هفته گذشته در سر قبر خمینی به رفسنجانی کرد و وی را بطور غیرمستقیم به خاطر تلاش برای بهبود روابط با آمریکا مورد نکوش قرار داد، تصمیم کنار گذارده شدن خود را جلوگیری کرد. اما کنار گذاشتن محتشمی و هلنی شدن درگیری‌ها نشان داد که طرفین شمشیر را از رو بسته‌اند.

بحران همه‌جانبه و همیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود در کشور و تضاد همیق منافع و راه مردم با کلیت نظام جمهوری اسلامی و شکاف در اس مردم حکومتی را هر دم همیق تر میکند.

کشورهای دیگر تنها از این زاویه نیست که همتای مهند فعالیت جاسوسی جمهوری اسلامی علیه سازمان‌ها و فعالین سیاسی و پناهندگان ایرانی شبکه‌ای بخدمت گرفته است که در هر جا که ایرانیان حضور دارند گسترده است. وقایع اخیر هشدار مکرریست به کلیه سازمان‌های سیاسی و پناهندگان ایرانی برای آنکه در اتحاد عمل برای مقابله با این فعالیت‌ها از هیچ کوششی فرو نگذارند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

وضعیت نیروی انسانی و اشتغال در کشور ما (۲)

کشاورزی کشور حاکم است و مقامات جمهوری اسلامی نیز به آن احترام میکنند بازگویی کنیم:

وزیر وقت جهاد سازندگی در سال ۵۶ گفته است که طی ۲۰ سال آینده با فرض استحصال ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب و افزایش سطح زیر کشت آبی به ۱۰ میلیون هکتار و با متوسط ۳ هکتار زمین آبی و ۹ تا ۱۰ هکتار زمین دیم برای هر بهره بردار، تنها امکان ۵/۶ میلیون شغل برای پوشش جمعیتی در حدود ۲۶ - ۲۵ میلیون نفر در روستاها وجود دارد. حال آنکه در ۲۰ سال آینده با فرض رشد جمعیت ۳ درصد، جمعیت روستایی کنونی به ۳۶ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. در آن صورت روستاهای ما ۲ میلیون بیکار که ۱۰ میلیون نفر را زیر پوشش دارند مواجه خواهد بود...

و یک کارشناس پایه اقتصادی رژیم معتقد است: "آنچه مسلم است طی ۲۰ سال آینده در زمینه حل مشکل آب برای کشاورزی چشم انداز خوبی پیش رویان نیست. همچنین در زمینه اشتغال در بخش کشاورزی، در حال حاضر چیزی حدود ۹ تا ۱۰ درصد بیکار وجود دارد. حدود ۲۰ درصد از نیروی کار این بخش هم بیکاری فصلی اند... بنا بر این اگر در این بخش توسعه ای هم در اراضی زیر کشت و یا افزایش بهره وری و راندمان تولیدی ایجاد شود، تازه طی ۲۰ سال آینده شاید بتوان مشکلات فعلی را برطرف کرد، زمینه اشتغال در کوتاه مدت در فعالیت های زراعی ایران چندان امیدبخش نیست.

اگر اضافه کنیم که ۵۵ درصد از بهره برداران کشاورزی (یعنی ۴ میلیون بهره بردار) یا بدون زمین هستند و یا کمتر از ۲ هکتار زمین دارند آنگاه روشن می شود که تحقق "متوسط ۳ هکتار زمین آبی و ۱۰-۹ هکتار زمین دیم برای هر بهره بردار" مستلزم چه تحول و چه میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی است. با این احوال اگر همه آن اگرها هم حقیقت یابند، تازه در ۲۰ سال آینده ما فقط در روستاهای کشور ۳ میلیون بیکار خواهیم داشت. این واقعیت تکان دهنده که متوسط زمین های بهره برداران بدون زمین و کم زمین (کمتر از دو هکتار) در سال ۱۳۵۵، ۷/۰ هکتار بوده و در سال ۱۳۶۲ به ۵/۰ هکتار تقلیل یافته است در حالیکه تعداد این بقیه در صفحه ۶

دهقانان نیز نزدیک به ۸۰۰ هزار هکتار از زمین های مالکان بزرگ را تصاحب کردند. اما تنها یکسال بعد، هنگامیکه به بهانه "حفظ وحدت ملت در جنگ حق علیه باطل" و با توسل به زور و فتواکار و اگذاری زمین به دهقانان متوقف و بازگرداندن اراضی مصادره شده از مالکان بزرگ به آنان آغاز شد، کاهش را در ارزش افزوده و در درصد سهم کشاورزی در تولید ملی مشاهده میکنیم (از ۱۳٪ به ۱۲٪). این در حالی است که سهم نفت در تولید ناخالص ملی باز هم از ۱۷ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافته

در سال ۱۳۵۵، حدود ۳ میلیون، در سال ۱۳۶۱ حدود ۳/۱۵ میلیون را شامل می شده است. از سال ۳۹ تا ۵۵، هلیبرم افزایش جمعیت کشور، افت تدریجی تعداد خانوارها را مشاهده می کنیم اما از ۵۵ تا ۶۱ روند معکوس بصورت افزایش نسبتا سریع آن ها نشان داده می شود. جدول زیر نیز ارزش افزوده و سهم هر یک از بخش های اقتصاد کشور را به میلیارد ریال (با تفکیک سهم نفت) در تولید ناخالص ملی برای سه سال ۶۰، ۶۱ و ۶۲ به قیمت های ثابت نشان میدهد:

ارزش افزوده در سهم ناخالص ملی	ارزش افزوده در سهم تولید ناخالص ملی	ارزش افزوده در سهم ناخالص ملی	ارزش افزوده در سهم ناخالص ملی	ارزش افزوده در سهم ناخالص ملی
۱۲	۱۳	۲۴۴	۲۴۴	۲۴۴
۲۰	۱۹	۵۹۰	۵۹۰	۵۹۰
۱۵	۱۷	۵۲۶/۸	۵۲۶/۸	۵۲۶/۸
۵۳	۵۱	۱۵۴۶/۲	۱۵۴۶/۲	۱۵۴۶/۲

است و باید انتظار افزایش را در درصد مربوط به کشاورزی داشت. با توجه به اینکه در جریان انقلاب و در سالهای نخستین پس از آن، خاصه به روند تولید بزرگ کشاورزی لطیفاتی وارد آمده بود میتوان نتیجه گرفت که افزایش ارزش افزوده و درصد سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی در سالهای مذکور حاصل تغییر مثبت در روند تولید خرد کشاورزی و بنا بر این تا حدودی بهبود وضعیت اشتغال بوده است. نتیجه ای که بررسی تعداد خانوار روستایی در سالهای ۳۹، ۵۵ و ۶۱ نیز اثبات می کند. (روشن است که میزان استفاده از ماشین آلات کشاورزی در اراضی کوچک محدودتر و تولید این اراضی کار برتر است.)

چنانکه دیده میشود در درصد سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی در سالهای اولیه انقلاب (تا سال ۶۱) نسبت به یک سال قبل از انقلاب حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است. باید توجه داشت که این افزایش ناشی از کاهش سهم نفت در تولید ناخالص ملی است (از ۳۴/۸٪ در سال ۶۰ به ۱۷ درصد در سال ۶۱) اما باید به این نکته نیز توجه داشت که افزایش نظیر برای صنعت تنها حدود ۳۱ درصد و برای بخش خدمات که حقیقتا بخش متورم اقتصاد کشور، در دهه اخیر بوده، ۴۰ درصد است. عوامل این افزایش روشن اند: بر اساس آمارهای حکومتی، در سال های ۵۹ - ۵۷ حدود ۲۵۰ هزار هکتار زمین های بایر و دایر مالکان بزرگ به دهقانان واگذار شد و خود

در شماره پیش نشریه درباره "وضعیت نیروی انسانی و اشتغال در کشور" نوشتیم. این موضوع در گزارشی تحت همین عنوان در شماره روزنامه کیهان بررسی شده است. نوشته مندرج در شماره پیش "اکثریت" به بعضی جهات کلی و نحوه برخورد گزارشی که در ۷ شماره روزنامه کیهان دولتی درج شده بود اختصاص داشت. در این شماره به ذکر نکاتی در زمینه های کشاورزی، صنعت و خدمات می پردازیم. چنانکه گفته شد "افزایش بی رویه جمعیت" بهانه اصلی همیشگی کارشناسان جمهوری اسلامی هنگام توضیح نابسامانی های وضعیت اشتغال در کشور ماست و "مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها" هم علت اصلی ناهنجاری های اشتغال در دهه اخیر. اما چه چیز موجب این "مهاجرت بی رویه" می شود؟ پاسخ کارشناسان به این سوال از این فراتر نمی رود که "در نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب وقتی مساله تامین مسکن برای ساکنان شهرها مطرح می شود... این مساله، تا حدودی به یکی از عوامل مهاجرت تبدیل می شود. همچنین شعارهای اولیه انقلاب در زمینه رسیدگی به حاشیه نشینان شهرها... باعث رواج این مساله می شود. یا وقتی سهمیه های مواد غذایی خاصی برای شهرها در سالهای اولیه پیروزی انقلاب در نظر گرفته می شود... این خود برای روستائیان این توهم را ایجاد می کند که رسیدگی به شهرنشینان بیشتر از روستائیان است. در نتیجه این دلیلی برای روی آوری روستائیان به شهر خواهد شد. "یا اینکه" جاذبه های شهر، درآمد بالا، سینما، پارک های باصفا، لباسهای شیک، غذای خوشمزه، کار و زحمت کم در مقابل استراحت زیاد همه و همه موضوع صحبت هائی است که هر روز تنگ قروب جوانان روستا را به پیچ و پند یکدیگر جمع می کند."

اما ببینیم آمار نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب درباره وضعیت کشاورزی چه می گوید: کل خانوارهای روستایی در سال ۱۳۳۹، حدود ۳/۲ میلیون،



اهداف و سیاست های بازسازی در برنامه پنج ساله

محمد یزدی

به ریاست قوه قضائیه منصوب شد

محمد یزدی طی حکمی از سوی خامنه‌ای به ریاست قوه قضائیه حکومت اسلامی برگزیده شد.

ریاست قبلی قوه قضائیه به عهده آخوندانقوژد حکومت موسوی اردبیلی بود و هلت برکناری وی از این سمت اعلام نشد.

قابل تاکید است که در دوره ریاست موسوی اردبیلی به عنوان رئیس دیوان عالی کشور، این نهاد حکومتی مرکز دزدی و رشوه‌گیری و اختلاس‌های کلان بوده است بطوریکه یکی از نمایندگان مجلس حکومتی چندی پیش صدمات وارنده از این طریق به حکومت را بیش از صدماتی دانست که در طول ۸ سال جنگ این حکومت متحمل شده است.

کروبی

به ریاست مجلس برگزیده شد

برگزیده شدن کروبی به ریاست مجلس اسلامی به دنبال اعلام سوگند وفاداری رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری حکومت صورت گرفت. رفسنجانی از روز پنجشنبه رسماً سمت رئیس جمهور حکومت آغاز به کار کرد. ضمناً وی در روز سه‌شنبه از سمت ریاست مجلس استعفا داد.

یادآوری می‌شود که قبلاً اعلام شده بود از آنجا که مدت دوره ریاست جمهوری خامنه‌ای به پایان نرسیده است وی قانوناً رئیس جمهور کشور می‌باشد مگر آنکه خود از این سمت استعفا دهد. در مراسم تحلیف رفسنجانی در مجلس وی در جمع مقامات ریز و درشت حکومتی منجمله "یادگار امام" گفت که هلت تاخیر اعلام استعفای خامنه‌ای از پست ریاست جمهوری این بوده است که طبق قانون اساسی حکومت "رهبر" مرجعی را برای اعلام نظر خود نمی‌شناسد. وی همچنین افزود: خامنه‌ای طی نامه‌ای رسمی به وی اطلاع داده است که از سمت ریاست جمهوری حکومت اسلامی استعفا داده است.

تدریس "وصیت نامه امام"

بنا به گزارش یکی از مسئولین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی متن کامل "وصیت نامه الهی - سیاسی خمینی" جزو دروس اصلی بینش دینی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان ها قرار می‌گیرد. وی اشاره کرده است، که این امر به منظور بالا بردن "سطح آگاهی دانش‌آموزان کشور" و "آشنایی آنها با مسایل سیاسی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی"، صورت می‌گیرد. وی همچنین گفته است، بخشی از "وصیت نامه" که تحلیل انقلاب اسلامی است، بصورت یک درس در مراکز تربیت معلم کشور، در سال تحصیلی آینده برای "دانشجویان" تدریس خواهد شد.

وی همچنین اضافه کرد که دولت قصد دارد با اجرای برنامه پنجساله در پایان سال ۷۲ کسری بودجه دولت را به صفر و رشد جمعیت را به ۲/۹ درصد در آمد مالیاتی دولت را به ۳۲۰ میلیارد تومان (سه برابر سال جاری) برساند.

الویری در این سخنان همچنین فاش ساخت که حکومت اسلامی روزانه مبالغ سنگینی در حدود ۸ میلیون دلار هزینه ارزی و ۲۰۰ میلیون تومان هزینه ریالی صرف جنگ می‌کرده است و اینکه بسیاری از کارخانه‌های کشور با ۳۰ درصد ظرفیت خود به کار مشغولند.

نامبرده با اشاره به تبصره ۲۹ لایحه بودجه سال ۶۸ عکال کشور که مربوط به بودجه ارزی است استقراض خارجی ۳/۱ میلیارد دلاری حکومت را خاطر نشان ساخت.

الویری گفت: ما (از) ۱/۶ میلیارد دلار یونانس (خرید نسبی) و یک میلیارد دلار برای نیروگاه‌ها به موجب بند ۱۴ استفاده می‌کنیم و ۱/۵ میلیارد دلار نیز ظرف سه سال به موجب بند ۱۵ استفاده می‌کنیم که سهم امسال ۵۰۰ میلیون دلار است.

رئیس "کمیسیون" در ارتباط با کنترل و بکاراندازی نقدینگی کشور اعلام کرد که قرار است بسیاری از کارخانه‌ها بجز صنایع استراتژیک مانند فولادسازی، کشتی‌سازی، خودروسازی و... در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد.

الویری در رابطه با بخش خدمات افزود: پس از پیروزی انقلاب بخش خدمات بصورتی درآمد که در حال حاضر ۴۷/۲ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است. یعنی قریب نیمی از اشتغال کشور را بخش خدمات و نیمی دیگر را بخش صنعت و کشاورزی توأم تشکیل می‌دهند. وی در این سخنان یکی دیگر از اهداف دولت را در برنامه پنجساله کاهش در حدود ۷ درصد در این بخش اعلام کرد.

رئیس کمیسیون در پایان این مصاحبه پیرامون موفقیت برنامه پنجساله اعلام کرد که مدیریت کنونی کشور به صورتی که هم‌اکنون وجود دارد توان اجرا این برنامه را ندارد، و به همین سبب در این برنامه اصلاح سازماندهی و مدیریت کشور به عنوان یکی از اهداف برنامه مورد توجه قرار گرفته است.

مرتضی الویری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی اهداف هفت‌گانه برنامه پنج‌ساله را اعلام کرد. نامبرده ضمن انتقاد از عدم نظارت مجلس بر روی تشکیلات برنامه‌ریزی کشور و عدم پاسخگویی مسئولان سازمان برنامه و بودجه به مجلس با توجه به مصوبات جدید در قانون اساسی گفت که تعیین اولویتها در تنظیم هدفهای برنامه پنجساله با توجه به وضعیت و مشکلات کشور صورت گرفته است. وی در این سخنان مشکلات موجود در ابدین شرح اعلام داشت:

۱- کاهش تولید ناخالص داخلی و بالطبع کاهش درآمد سرانه ۲- مساله اقتصاد تک پایه و متکی بودن درآمدهای ارزی کشور به نفت ۳- مساله عدم تعادل بین درآمدها و هزینه‌های دولت و کسر بودجه‌های بسیار بالای سالانه ۴- مساله بیکاری ۵- جابجایی جمعیت کشور بطوریکه طبق آخرین آمار ۲۰ درصد جمعیت کشور در نیمه شرقی و ۸۰ درصد دیگر در نیمه غربی زندگی می‌کنند.

الویری در این سخنان مشکلات را به دو گروه برون زای و درون زای تقسیم بندی کرده و در این رابطه مشکل جنگ و پایین آمدن قیمت نفت از بشکه‌ای ۳۰ دلار به ۶ دلار در فاصله چندماهه را از عوامل برون زای مشکلات داخلی توصیف نمود. وی عوامل درون زای مشکلات کشور را اولاً فقدان برنامه و در نتیجه هدر رفتن منابع، اسراف و تبذیر و عدم استفاده صحیح از امکانات و ثانیاً سازماندهی نامناسب باقیمانده از زمان شاه که بر اثر افزوده شدن یک سری تشکیلات دیگر منجر به افزایش هزینه‌های جاری دولت شد. ثالثاً تعدد مراکز تصمیم‌گیری و رابعاً افزایش و رشد جمعیت اعلام کرد.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه هفت هدف عمده برنامه را نیز بشرح زیر بیان کرد: ۱- تقویت بنیه دفاعی ۲- بازسازی و نوسازی ظرفیتهای تولیدی و زیربنایی ۳- کادرسازی و تربیت نیروی انسانی ۴- ایجاد رشد اقتصادی ۵- تلاش در جهت تامین تسطو و عدالت اجتماعی ۶- تامین حداقل نیازهای اساسی مردم ۷- اصلاح سازماندهی و مدیریت کشور.

وزارتخانه‌های دفاع و سپاه اقدام شدند

اتش‌پس این طرح در مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفت ولی به هلت مخالفت ها و اوضاع نابسامان رژیم، طرح اقدام این دو وزارتخانه به تعویق افتاد.

لازم به یادآوری است که علیرغم اقدام دو وزارتخانه مزبور در یک تشکیلات واحد، ارتش و سپاه پاسداران هر یک به موجودیت جداگانه خود ادامه خواهند داد.

ضمناً مجلس حکومتی با تصویب طرح اقدام این دو وزارتخانه به بررسی جزئیات آن پرداخته و چند ماده از مواد ۱۹ گانه آنرا در همان جلسه روز سه‌شنبه مورد تصویب قرار داده است.

در جلسه روز سه‌شنبه مجلس که به ریاست رفسنجانی برگزار شد، مجدداً طرح اقدام وزارتخانه‌های دفاع و سپاه پاسداران مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به تصویب رسید.

بر پایه مصوبه جدید مجلس از این پس مقرر شد تشکیلات جدید "وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح" نامیده شود و مسئولیت نهائی این وزارتخانه مطابق قانون اساسی جدید حکومت بعهده رفسنجانی در مقام ریاست جمهوری حکومت اسلامی باشد.

طرح اقدام وزارتخانه‌های دفاع و سپاه از مدتها پیش مورد بحث و بررسی مقامات جمهوری اسلامی بوده است. بعد از قرارداد

«تصویب ادامه رهبری خامنه‌ای»

بود. در همین جلسه مشکینی به عنوان رئیس و «رفسنجانی» و امینی به عنوان نواب رئیس و «مومن» و «طاهری خرم آبادی» به عنوان منشی انتخاب شدند.

مجلس خبرگان در جلسه روز یکشنبه ۱۵ مرداد ادامه رهبری خامنه‌ای را تصویب کرد. لازم به یادآوری است که همین مجلس با دو سوم آراء خود، خامنه‌ای را در روز مرگ خمینی به عنوان رهبر جمهوری اسلامی انتخاب کرده

ولایتی بار دیگر به سوریه رفت

مهدی شمس‌الدین نایب رئیس مجلس شیعیان لبنان طی دیدار با ولایتی نشان دهنده وجود این گفتگوها بین مقامات حکومت اسلامی و طرف‌های ذی‌نفع در مساله گروگان‌ها می‌باشد. در همین رابطه نایب رئیس مجلس شیعیان لبنان اظهار امیدواری کرد که مساله گروگان‌های فربری بزودی حل خواهد شد.

لازم به تذکر است که قرار بود ولایتی در پایان دیدار خود در یک کنفرانس مطبوعاتی در جمع خبرنگاران خارجی شرکت نماید. وی این کنفرانس را به دلایل نامعلومی لغو نمود. گفته می‌شود لغو این کنفرانس مطبوعاتی برای عدم پاسخگویی به سئوالات خبرنگاران خارجی پیرامون مساله گروگان‌ها بوده است. در پایان این دیدار ولایتی ملاقات خود با مقامات سوری را کاملاً رضایت‌بخش توصیف نمود.

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در روز دوشنبه جهت ملاقات و گفتگو با مقامات سوری و رهبران گروه‌های شیعه و حزب الله لبنان مجدداً هسپار سوریه شد.

ولایتی هنگام ورود در فرودگاه دمشق در ارتباط با مذاکره پیرامون گروگان‌های فربری اعلام کرد که هیچگونه گفتگویی درباره سرنوشت گروگان‌های فربری صورت نخواهد داد و محور گفتگوهای وی با مقامات سوریه مساله لبنان خواهد بود.

وزیر خارجه حکومت در طی اقامت سه‌روزه خود با نبیه‌بری رهبر سازمان امل و همچنین شیخ حسین فضل‌الله رهبر حزب الله لبنان به بحث و گفتگو پرداخته است.

علیرقم انکار مقامات حکومت اسلامی در مورد مذاکره پیرامون سرنوشت گروگان‌های فربری در لبنان سخنان شیخ محمد

آوارگان کرد عراقی در آذربایجان فربری

آذربایجان فربری اسکان داده شده‌اند. یادآوری می‌شود که پناهندگان کرد عراقی در شهرهای ارومیه، پیرانشهر، سردشت، اشنویه، نقده و خوی اسکان دارند. تنها در منطقه زیوه ارومیه ۴۶ هزار و ۸۳۰ تن آواره کرد عراقی بسر می‌برند. شرایط زیستی پناهندگان کرد عراقی بسیار ناهنجار است.

آذربایجان فربری محل استقرار بیش از ۹۴ هزار کرد عراقی شده است. از این عده ۵۴ هزار و ۵۰۰ نفر بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بدنبال بمبارانهای شیمیایی توسط رژیم عراق به خاک ایران پناهنده شده‌اند و ۴۰ هزار نفر بقیه شامل آنهایی است که طی ۸ سال جنگ تا مقطع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ وارد خاک ایران شده و در

وزیر خارجه پاکستان در تهران

صاحبزاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان روز چهارشنبه وارد تهران شد و مورد استقبال بشارتی معاون وزارت خارجه حکومت اسلامی قرار گرفت.

در آستانه ورود صاحبزاده یعقوب خان وزارت خارجه حکومت اسلامی اعلام کرد که وزیر خارجه پاکستان در تهران به میانجی‌گری پیرامون آزادسازی گروگان‌های فربری نخواهد پرداخت.

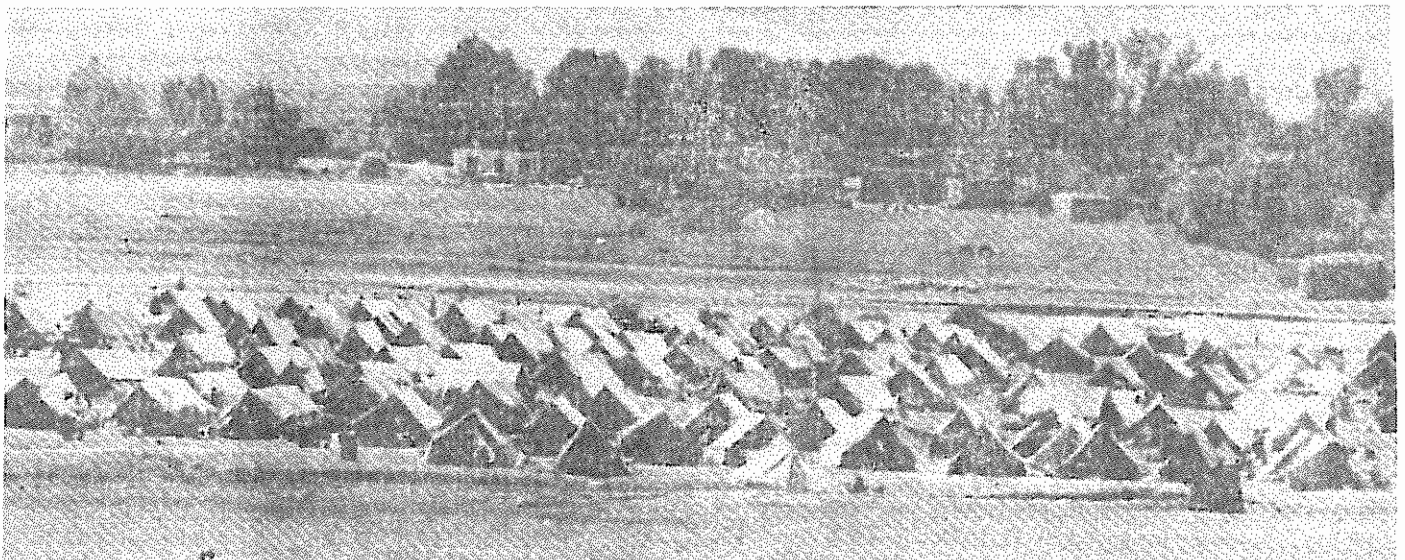
سفارت پاکستان در تهران نیز اعلام داشت که دیدار سه‌روزه وزیر امور خارجه پاکستان از ایران بخشی از تماس‌های منظم سران دو کشور است و طی آن پیرامون مساله افغانستان و دیگر مسائل منطقه‌ای گفتگو خواهد شد.

صورت‌بندی‌های فوق از جانب وزارت خارجه حکومت اسلامی و سفارت پاکستان در تهران در ارتباط با پخش اخباری مبنی بر میانجی‌گری پاکستان از طریق شخص صاحبزاده یعقوب خان پیرامون مساله گروگان‌های فربری در لبنان می‌باشد.

هم روزنامه‌های چاپ تهران و هم روزنامه‌های چاپ اسلام‌آباد قیلاً خبر این میانجی‌گری توسط وزیر امور خارجه پاکستان را منتشر کرده بودند.

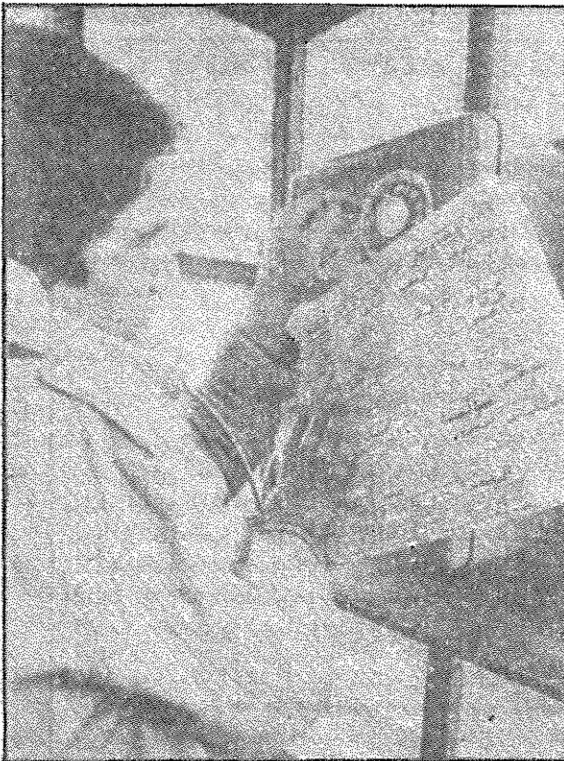
همچنین اظهارات رفسنجانی پیرامون مذاکره با طرف‌های ذی‌نفع در مساله گروگان‌ها و اظهارات «بوش» رئیس‌جمهور آمریکا و ابراز تمایل وی به میانجی‌گری دولت پاکستان که وی آن را مورد اعتماد دولت‌های ایران و آمریکا اعلام کرده بود بر شدت شایعه وجود چنین میانجی‌گری از طریق پاکستان میان دولت‌های ایران و آمریکا افزوده است.

صاحبزاده یعقوب خان در دیدار خود از تهران بر لزوم تماس بین دو کشور برای ایجاد و تشکیل یک «دولت فراگیر» و «غیرمتعهد» در افغانستان تاکید کرده است.



وضعیت نیروی انسانی و اشتغال در کشور ما (۲)

بقیه از صفحه ۳



جمهوری اسلامی راهی جز همان راه قبلی نیافته‌اند. فقط باید بیشتر اعمال زور کرد و بیشتر مردم را به "کار مداوم، خستگی‌ناپذیر و پربازده" دهنوت کرد.

۵۵-۶۵ را تماما نمی‌توان بر پایه سیاست‌های اقتصادی رژیم شاه توضیح داد. "و" این ناهنجاری‌ها در دهه اخیر تشدید یافته‌اند. " به نظر می‌رسد کارشناسان

بازی با جان پناهندگان

از طریق زوریخ (سوئیس) به بروکسل (بلژیک) گریختند. آنها در بروکسل چهار روز را در بازداشت به سر بردند و سپس دوباره به سوئیس فرستاده شدند. این دو نفر در سوئیس تقاضای پناهندگی کردند، اما یک روز بعد دوباره به بروکسل حواله داده شدند. در بروکسل هنگامی که آنها دریافتند که قرار است به دویبی فرستاده شوند و از آنجا احتمالاً به حکومت اسلامی تحویل داده شوند، زن ایرانی به خودکشی دست زد.

سرانجام پس از انتقال زن ایرانی که دچار جراحات کشنده شده بود، به بیمارستان، مقامات بلژیک به آنها اجازه دادند که یک وکیل اختیار کنند. این وکیل توانست از دولت سوئیس برای این دو پناهجوی ایرانی اجازه ورود به زوریخ را کسب کند. در زوریخ به زن ایرانی که بر برانگارد خوابیده بود اجازه داده شد که مورد معاینه و معالجه پزشکی قرار گیرد. "

یکی از دو ایرانی که توسط مقامات سوئیس و بلژیک، بلا تکلیف بین فرودگاه‌های این دو کشور به "بازی" گرفته شده بود و خطر تحویل آنها به دولت ایران از طریق دویبی وجود داشت، دست به خودکشی زد.

این دو نفر که یک زن و یک مرد ایرانی هستند، در رژیم‌های شاه و خمینی مجموعاً ۹ سال را در زندان گذرانده‌اند. با این همه زمانی که تقاضای پناهندگی دادند، توسط مسئولان اداره مهاجرت در فرودگاه‌های زوریخ و بروکسل آنقدر از این فرودگاه به آن فرودگاه حواله داده شدند که زن ایرانی مزبور از فرط نگرانی و فشار عصبی دست به خودکشی زد. روزنامه "اخبار کیل" که پاس‌دادن و بی‌توجهی دولت‌های بلژیک و سوئیس را نسبت به این متقاضیان پناهندگی به بازی پینگ‌پنگ تشبیه کرده، واقعه را چنین شرح داده است: "دو ایرانی مذکور از تهران و

کشاورزی قاعدتا باید شاهد افزایش فیرهادی در اشتغال‌های خدماتی و یادریکاری (ویا هر دو) باشیم. چنین هم هست: "میزان افزایش کمیّت اشتغال در بخش خدمات نسبت به سایر مشاغل در دهه ۵۵ تا ۶۵ بالغ بر ۱۳٫۸ درصد بوده است. یعنی شافلین بخش خدمات که در سال ۵۵، ۳۱٫۸ درصد کل شافلین را تشکیل می‌داده‌اند سال ۶۵ معادل ۴۵٫۶ درصد همه شافلین را دربرگرفته‌اند." در اقتصاد راکد و فیرمولد این یعنی بیکاری پنهان. اما "گزارش" این بیکاری پنهان را در کجا جستجو می‌کند؟ در قامت واسطه‌ها، این

کوپن فروش یا آن کسی که بلیط‌های دولتی اتوبوس را دانه‌ای ۸ یا ۹ ریال می‌فروشد و فیره، و هلیرقم اینکه خود تصریح می‌کند: "طی سال‌های ۵۵ تا ۶۵ حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار شغل ایجاد شده که تقریباً همه آنها ماهیت خدماتی داشته‌اند و تقریباً ۸۰ درصد اینها در بخش خدمات دولتی بوده‌اند." اما از معرفی کردن جمع همده بیکاران پنهان خودداری می‌کند، آن چه که "گزارش" به عنوان تلاش دولت برای جلوگیری از بیکاری از آن یاد می‌کند چیزی نیست جز ایجاد انواع و اقسام نهادها و کمیته‌ها، جهادها و سپاه‌ها و بنیادها و وزارت‌خانه‌ها... و اگر نه کیست که نداند دولت هر جا که بود تصفیه‌های وسیعی را در وزارت‌خانه‌ها و ادارات مختلف دولتی به عمل گذاشت.

با چنین کیفیت بررسی، نه دور از انتظار است که "مساله فرهنگی اشتغال" و "ضرورت کار مداوم، خستگی‌ناپذیر و پربازده" قبل از هر اقدام مشخص اقتصادی مطرح شود و نه عجیب است اگر "انتخاب هاشمی رفسنجانی با اختیارات گسترده زمینه مناسبی برای رفع نقایص و نارسائیها" قلمداد شود.

وزیر امور اقتصادی جمهوری اسلامی چندی پیش در مصاحبه‌ای دیدگاه‌ها و طرح‌های خود را برای "رفع نواقص و نارسائیها" بیان کرده است. این طرح ادامه همان سیاست اقتصادی متکی بر نفت است. حال این سیاست باید در شرایطی جاری شود که بنا به تصریح "گزارش": "ناهنجاری‌های اقتصادی در دهه

بهره‌برداران در سال ۱۳۵۵، ۱٫۶ درصد و در سال ۱۳۶۵، ۵۵ درصد کل بهره‌برداران کشاورزی بوده‌اند پاسخ این سؤال را که آن ۲ میلیون بیکار ۲۰ سال آینده روستاهای ما به چه روی آور خواهند شد روشن می‌کند: مهاجرت به شهر، اما مهاجرت نه به عنوان امری از سر توهم به رسیدگی بیشتر به شهرنشینان و مطالباتی چون سینما و پارک‌های باصفا و فیره، بلکه به عنوان اقدامی از سر ناگزیری برای تامین یک لقمه نان، برای زنده ماندن.

وضعیت اشتغال در بخش صنعت بهتر از آن چه در مورد کشاورزی گفته شد نیست. آن چه که در گزارش کمیان دولتی در این زمینه ارائه می‌شود، نشان دهنده رکود و نزول در این بخش در دهه اخیر است: "آمار موجود نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۵ از کل یازده میلیون و سی و شش هزار نفر شافلین کل کشور تنها دو میلیون و هفتصد و نود هزار نفر در بخش صنعت شافل بوده‌اند. این تعداد که ۲٫۲ درصد شافلین کل کشور را شامل می‌شود طی دهه اخیر تنزل و رکود شدیدی داشته است. مطابق آمار در سال ۱۳۳۹ بخش صنعت چیزی حدود ۲۰ درصد کل اشتغال کشور را در برداشته. این رقم در سال ۴۵ به ۲۶٫۵ درصد افزایش یافته و در سال ۱۳۵۵ نیز افزایشی معادل ۸ درصد را نشان می‌دهد و سهم صنعت را در اشتغال کل کشور به ۳۴٫۲ درصد می‌رساند. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ یک رکود وسیع شامل آن می‌شود. اگر رشد متوسط اشتغال را تا ۱۳۵۵ در هر دهه ۷ درصد بگیریم، با رشد منفی ۹ درصد که در دهه ۵۵-۶۵ در آن ایجاد شده، سقوطی معادل ۶ درصد را در اشتغال بخش صنعت شاهد خواهیم بود."

اما علاوه بر این‌ها در "گزارش" ادعا می‌شود که کاهش اشتغال‌های صنعتی طی دهه گذشته تماماً در نواحی روستایی بوده است. مادر شماره پیش با اتکا به آمار نشان دادیم که چنین ادعایی حقیقت ندارد. روشن است که با نزول ۹ درصدی در اشتغال‌های صنعتی و ۱٫۹ درصدی در اشتغال‌های

علت مواضع دشمنانه دولت آمریکا در قبال مردم پاناما

مصاحبه‌ای با مانوئل نوریه‌گا

بر اثر دخالت خشن آمریکا در امور داخلی پاناما، این کشور کوچک آمریکای مرکزی به یک کانون دیگر تشنج و بی‌ثباتی نظامی تبدیل شده است. مجله صلح و سوسیالیسم مصاحبه‌ای با مانوئل نوریه‌گا انجام داده که در آن به علت بحران کنونی پرداخته شده است. در اینجا گوشه‌هایی از این مصاحبه را درج می‌کنیم: نوریه‌گا در پاسخ به هلت واتسی سیاست دشمنانه واشنگتن در برابر مردم و دولت پاناما گفت: رفتار دشمنانه کاخ سفید علیه کشور ما دلایل مختلفی دارد... ایالات متحده آمریکا بسیار مایل است که پس از ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۹ نیز پایگاه‌های نظامی خود را در پاناما حفظ کند. بر پایه قرار داد توریحوس - کارتر باید تا آن زمان واحد های نظامی آمریکا کشور ما ترک کنند و حق تعلق، اداره و محافظت از این کانال که دو اقیانوس را به هم پیوند می‌دهد به ما محول شود... من همواره تاکید کرده‌ام که کشور ما یک میدان آزمون است. آنچه امروز در نزد ما رخ میدهد قادرست روزی دیگر در هر یک از

کشورهای منطقه ما که از دستور کاخ سفید سرپیچی کند تکرار شود. بالاخره یکی دیگر از سببهای آفاز هیستری ضد پانامایی امتناع ما از خروج از گروه کونتادورا و ایفای نقش ژاندارمی آمریکا در ضدیت موزیانه واشنگتن علیه جمهوری همسایه ما می‌باشد. جان پوئین دگستر، مشاور امنیتی ریگان، شخصا تلاش کرد ما را متقاعد کند که نیروهای نظامی خود را به ابزار جنگ علیه خلق برادر نیکارگوئه تبدیل کنیم. اما ما با قاطعیت به او پاسخ منفی دادیم. جواب هر کس دیگری نیز که بخواهد پاناما را در نقشه‌های متکبران خود جهت انزوا و ستگیری بر یک کشور "جهان سوم" دخیل کند همین خواهد بود. ما در راه صلح و زندگی تلاش می‌کنیم و با جنگ و هواقب ویرانگر آن مقابله می‌کنیم و هرگز به یک ژاندارم در دستمای بیگانه تبدیل نخواهیم شد. نوریه‌گا در مورد پیش زمینه‌های دخالت آمریکا در امور داخلی پاناما گفت: گذشته و حال خلق پاناما گواه میهن پرستی

تحولات حاد سیاسی

بقیه از صفحه آخر

کرده است. قبل از آن لخواهنا و رهبران حزب متحد دهقانی و حزب دمکرات، یاروولسکی را مشروطاً در جریان برنامه‌های خود پیرامون تشکیل دولت آینده قرار داده بودند. راکوسکی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان، در روز چهارشنبه گذشته در برابر فراکسیون پارلمانی حزب گفته بود: "لهستان در دوران یک مبارزه آشکار بر سر قدرت بسر می‌برد. مشخصه اوضاع کنونی که دم به دم تحول می‌یابد تلاش اپوزیسیون جهت تسریع رادیکال توافق هائیتست که در پشت میز مذاکره حاصل شده است. به این وسیله توافقی حاصله مورد تهدید قرار می‌گیرد." بی‌تردید لهستان دوران بسیار حساسی را از سر می‌گذراند. با اجرای تصمیمات سیاسی اعلام شده برای اولین بار در تاریخ پس از جنگ لهستان، نیروهای فیرکمونیتست، دست بالا را در دولت این کشور خواهند داشت

سخنگوی وزارت خارجه شوروی، یوری گریمتسکیخ اظهارات والسا را معقول خواند. وی افزود اتحاد شوروی در امور داخلی لهستان مداخله نخواهد کرد. این مساله خود لهستان است که مشکلات کنونی خود را حل کند. در روز ۱۷ اوت نمایندگان اتحادیه همبستگی با رهبر حزب متحده دهقانی، رمان مالینوفسکی و جرسی جوتسویاک، رهبر حزب دمکراتیک توافق کردند دولت مشترکی تشکیل دهند که در آن مقامات وزارت کشور و وزارت دفاع به حزب متحده کارگران لهستان تعلق گیرد. مالینوفسکی پس از مشاورت این احزاب اعلام کرد که ائتلاف این سه حزب کاندیدای خود را برای پست نخست‌وزیری به یاروولسکی معرفی خواهد کرد. بنا به گزارشات رسیده یاروولسکی، رئیس‌جمهور لهستان تادوسج ماچوویسکی، سردبیر هفته‌نامه ارگان اتحادیه همبستگی را مامور تشکیل کابینه

بی‌حد و مرز آن است. از هنگامی که در سال ۱۸۴۸ سربازان و واحدهای نیروی دریایی آمریکا برای اولین بار به کشور ما وارد شدند تاکنون، همواره به وسیله ایالات متحده فرور مردم پاناما جریحه دار شده است. اما آنها با وجودی که مورد ستم و استثمار قرار گرفته و بعضا کشته شده‌اند هرگز تسلیم نشدند. خلق ما لیاقت خود را نشان داد، مبارزه را منطبق بر هر شرایطی به پیش برد. اقدامات دشمنانه آمریکا علیه پاناما ابداً پدیده یونینی بشمار نمی‌آید. تاریخ تکرار می‌شود، و هر بار نیز توانایی ما در مقاومت تایید می‌شود. تنها تفاوت اینست کسان و نسلهای دیگری این مقاومت را انجام میدهند و در مبارزه شرکت می‌کنند. نه گرسنگی، نه جنگ روانی و یا تهدید دخالت مستقیم نظامی قادر نیست سربازان، دانشجویان و دیگر آزادیخواهان و میهن پرستان را بترساند و به زانو در آورد. وی در مورد اپوزیسیون پاناما گفت: این اپوزیسیون کمتر به فکر منافع کشور است بلکه برعکس به فکر کسب قدرت جهت ارضای اهداف خودخواهانه خویش است. من مایلم یادآوری کنم که تا تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۶۸ (زمان روی کار آمدن ژنرال توریحوس) که روند دگرگونی در کشور ما آفاز شد، موسسات سیاسی به‌طور کامل توسط قشر ممتاز اقتصاد کنترل می‌شد. فقط اسامی روسای حکومت تغییر می‌کرد. این الیگارشوی از آن سال نفوذ سیاسی خود را از دست داد و دوباره به زندگی اقتصادی خود برگشت و سرمایه‌های کلان جمع کرد اما زمانی که خود را باز قدرتمند یافت تلاش کرد دوباره مناسبات سابق را برقرار کند... به این منظور خود را بی‌شرمانه در آغوش واشنگتن انداخت. ما البته داشتن یک اپوزیسیون را به رسمیت می‌شناسیم اما نه اپوزیسیونی که میهن ما را بفروشد تا به قدرت برسد. ما طالب دمکراسی هستیم اما فقط آن نوع از دمکراسی که قدرت و اتعاب اکثریت تعلق داشته باشد نه فقط به یک قشر به لحاظ اقتصادی ممتاز... یک دمکراسی که برای هر پانامایی حق بهره‌مند شدن از کمک پزشکی، تعلیم و تربیت، مسکن را تضمین کند. ما به نوع دیگر دمکراسی اعتقادی نداریم و با آن هیچ سرو

کاری نمی‌خواهیم داشته باشیم. او در مورد نیروهای مسلح کشور خود چنین گفت: نیروهای مسلح پاناما اساساً از ارتشهای سایر کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی متفاوتند. هنگامی که در سایر کشورها ارتشهای ایجاد شده در جریان مبارزه برای استقلال از اسپانیا به موسسات دائمی دولتی تبدیل شدند در نزد ما ارتش منحل شد حفاظت از خاک ما را واحدهای نظامی آمریکا به عهده گرفتند. تا انقلاب ۱۹۶۸ نیروهای نظامی اعتباری در نزد مردم نداشتند زیرا آنها را در خدمت الیگارشوی سرکوب می‌کردند. هنگامی که توریحوس قدرت را کسب کرد نقش نیروهای مسلح پاناما اساساً تغییر کرد. میان ارتش و خلق اتحاد برقرار شد. ما متوجه شدیم که دانشجویان، کارگران، معلمین، سرخپوستان و سایر اقشار محروم جامعه مبارزه کاملاً عادلانه‌ای را به پیش می‌برند... نیروهای نظامی همکاری تنگاتنگی با دولت دارند و هر دو در تلاشند وضع زندگی مردم را بهبود بخشند... ما به اسیلترین سنتها و میراث سیمون بولیوار، خوزه سان مارتین، برناردو هیمیچز، فرانچسکو میراندا و بسیاری دیگر از مبارزین بزرگ راه استقلال که خون خود و تمام نیروی خود را فدا کرده‌اند پایبندیم. امروز مردان نظامی در قاره ما نقش بزرگی ایفا می‌کنند. نباید آنها را بدان محکوم کرد در پادگانهای خود بمانند. تماس بلاواسطه دائمی با خلق به ما نظامیان پاناما پی کمک می‌کند تا با مردم یکی شویم و روح و امیال حقیقی آنها را بهتر درک کنیم. نوریه‌گا افزود: کاهش تشنج در اوضاع جهانی هنوز در فضای آمریکای لاتین تاثیر نکرده است. تاکنون آمریکا از تلاشهای مؤمنیستی خود در منطقه دست برنداشته است. اگر کشورهای پیشرفته با ما به مانند خود رفتار نکنند، بی‌معنات تصور شود ما قادر به حل مشکلات خود خواهیم بود. تغییرات در روابط بین‌المللی باید به همه ملتها مدد رساند... صلح ضامن قلبه فقر، عقب ماندگی، گرسنگی، ناآگاهی و بیماریهای مزمنی است که توان زندگی خلقها را از بین می‌برد. برای قلبه بر این مشکلات باید همه دولتها و خلقها به‌طور جدی همکاری کنند

تأملی بر روی برخی مسائل تاریخی

مصاحبه نیکلای آندره‌یف مفسر مجله عصر جدید با

لوگنیف و نمایشنامه نویسنده میخائیل شاتروف

عصر جدید - در طول سالین،
لنین نوعی شمایل بوده که ستایش
شده و لنینیسم - آموزش مقدسی
که مورد تفسیر قرار گرفته است،
آنهم فقط توسط مصلحت‌طلبان چند...

شاتروف: تلبه مدت چند دهه به
دقیقترین وجه، از لنین یک شمایل
ساختند. چرا از او خدا ساخته شد؟
اینکار همدا، بمنظور کشتن او
صورت گرفت. خود لنین با کشتن
اینکه شمایل ساختن از یک
سیاستمدار بهترین راه "مقدس"
ساختن نام اوست. در مقابل این
عمل هشدار داده بود، استالین در
اینکار کامیاب شد. او در سرتاسر
سالهای دیکتاتوری خود به لنین
اعتقاد داشت در حالیکه آنچه عملاً
انجام میداد هم لنین و هم لنینیسم
رانفی میکرد.

لوگنیف: قابل ملاحظه است که
چنین بت پرستی‌ای تنها مربوط به
کسی نیست که در آرزوی نقش
"پادشاه قلب شده" است، بلکه
در خور همه، تا "پاسبان
روستا" نیز هست. هر کسی این
شانس را پیدا می‌کند آنگونه که
دلخواه اوست از سوی مقام مافوق
عمل کند. تنها استالین نبود که در
شمایل ساختن از لنین کامیاب
گشت. کل سیستم استالینیسم در
اینکار موفق شد.

شاتروف: نهایتاً، سیاست خدا
سازی به بیگانگی مردم از لنین
منجر شد. امروز برای همه ما
مهمترین چیز اینست که بدانیم
لنین، گرچه بطور انکارناپذیری
یک نابغه بود، قبل از همه یک
سیاستمدار بود. ما بیش از آنکه لنین
را پرستش کنیم، باید از او
بیاموزیم. ببینید خود لنین چگونه
با مارکس برخورد میکرد. او گفت
مارکس دیگر نمی‌توانست
مارکسیسم را بسط دهد، ولی ما می
توانیم اینکار را بکنیم زیرا مسائلی
وجود داشتند که حتی هفتاد
مارکس نمی‌توانستند به آنها پاسخ
دهند. امروز نیز ما با مسائلی
مواجهیم که هفتاد لنین نمی‌تواند

به آنها پاسخ گویند. برخی از
اندیشه‌های لنین فقط به زمان وی
تعلق دارند و هرگز عملی نشده‌اند.
ارزش اندیشه‌های دیگر او در زمان
ما آشکار شده‌اند. امروز افکار
عمومی توجه ویژه‌ای به
"آخرین" آثار لنین در سالهای
۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ نشان
میدهند. این اندیشه‌ها در این آثار
لنین و در وصیتنامه سیاسی وی که
امروز ما آنرا همی می‌سازیم پیدا
شده است. منظور من اصلاح
سیستم سیاسی و ساختمان
سوسیالیسم دمکراتیک است.

لوگنیف: در این رابطه سوالی
پیش می‌آید: ما باید توجه خود را
بر چه چیز متمرکز سازیم -
جستجوی اشتباهات لنین یا طرح
مذاهای وی برای تحلیل، برای حل
مسائل پیچیده سیاسی؟

شاتروف: لنین بارها اشتباهات
خود را پذیرفته است. ولی چرا
امروز محافل مشخصی اشتباهات
وی را مطرح می‌کنند؟ زیرا
بسیاری از مردم واقعا آثار لنین را
نخوانده‌اند و هنوز نمی‌خوانند. آنها
تنها خارج از زمینه از لنین نقل قول
میکند و بر پایه این نقل قول‌ها
نتیجه‌گیری‌های کلی را که اغلب
آنها به زمان ما ربطی ندارند،
مطرح می‌نمایند.

عصر جدید: امروز اغلب
هباتاتی مانند "باز خوانی لنین"،
"بازگشت به لنین"، "میراث
لنین" به گوش میرسد. ولی ما باید
به کدام اندیشه‌های لنین بازگردیم
آیا تنها آثار "آخری" وی ارزش
باز خوانی دارند؟

شاتروف: لنین، دیالکتیکی و
بنابراین متضاد است، او برخی
نظریات خود را بعد از مدتی کنار
گذاشت، در برخی از نظرات اولیه
خود تجدید نظر کرد و حتی آنها را
مورد استعزا قرار داد. آثار
"آخری" لنین شامل دقیقترین
تحلیل از جامعه، حزب، ایده‌آل‌ها و
همه سیستم قدرت شوروی است،
ولی بمنظور قدردانی کامل از
تفکرات و اندیشه‌هایی که این آثار
در بردارند، باید دانست که قبل از

زندگی او به‌شابه یک انقلابی، در
دوره شکل‌گیری حزب، چه رخ
داده است. می‌توانم بار دیگر
تاکید کنم که هرگز نباید خارج از
زمینه از لنین نقل قول کرد.

عصر جدید: در این روزها
نویسندگان معینی با لنین
"خودمانی" شده‌اند ولی تقریباً
همه آنها آهسته به پشت او
میزنند...
لوگنیف: این به "قانون
برگشت موج" موسوم است. اگر
شمایک میله لاستیکی را به یک سو
خم کنید، باید بخاطر داشته باشید
که ناگزیر بسوی دیگر باز خواهد
گشت. لیکن، بهنگام تضاد
در باره لنین همواره باید با احتیاط
گام برداشت - واحدهای اندازه
گیری عادی برای شیوه تفکر وی
بکار نمی‌آیند. هر دانشیار دانشگاه
با این سخن لنین مبنی بر اینکه
بوخارین تسلطی بر دیالکتیک
ندارد، موافق خواهد بود. این
سخنان برای هر دانشیار دانشگاه
که بر هکس بوخارین، همه چیز را
در باره دیالکتیک از کتابهای
درسی ماتریالیسم دیالکتیک
ترا گرفته است، مانند صدای
موسیقی است... قبل از انتقاد از
لنین بیائید فقط او را بشکافیم، باید
رحمت خواندن آثار او را بخود داد
و بروی سوالاتی که او مغز خود را
برای پاسخگویی به آنها بکار
انداخته بود، تامل نمود.

شاتروف - لنین نیازی به
مدافعه ندارد. او می‌تواند بخوبی
از خود دفاع کند.

لوگنیف: ماکسیم گورکی
جوهره آموزش لنین را چنین
تشریح کرد: "او مردم را دوست
داشت نه ایده‌ها را؛ وقتی منافع
ملت ایجاب میکرد ایده‌ها را خم
میکرد و می‌شکست." در حقیقت
او دسته‌های مصادره مازاد
محصول را به روساها فرستاد. او
نمی‌توانست کار دیگری بکند:
میلیونها تن از مردم در شهرها از
گرسنگی در معرض مرگ قرار
داشتند. او در کردار و گفتارش از
نیازها و احتیاجات توده‌های مردم

حرکت میکرد نه از مشغول ساختن
فکر خود با قدرت. او با واقعیات
روزمره حرکت میکرد نه با
دگم‌ها. نه با مفاهیم، نه با برنامه
گوتای مارکس، بلکه قبل از همه با
آنچه که اوضاع می‌طلبید. زمانیکه
با مسئله‌ای درگیر می‌شد، همواره
به آن نه به‌شابه یک مسئله تئوریک
بلکه به‌شابه مسئله‌ای توجه میکرد
که بازنگی مردم پیوند دارد.

عصر جدید: گمان میکنم که
علم اجتماعی برای پاسخگویی به
بسیاری از مسائلی که زندگی و
جامعه در باره لنین و لنینیسم
مطرح می‌کنند، آمادگی ندارد.

لوگنیف: علم اجتماعی در
موقعیت بحرانی قرار دارد. این
علم به کلی هدم آمادگی خود را
برای هلنیت امروز، برای توجه
همگان در تاریخ کشور و حزب،
نشان داده است. این وضع توضیح
می‌دهد که چرا تقریباً هر تلگرام
لنین در زمان جنگ داخلی به یک
ضربه تبدیل می‌شود. رویهم‌رفته
آنها به مدت چند دهه مجسمه
پاپائوئل درست کردند. و ناگهان
این پدر بزرگ خوش‌قلب با رتی در
چشمانش به یک انسان بیرحم تبدیل
می‌شود. این امر بسیاری از
دانشمندان را به انسان‌هایی ناآگاه
مبدل می‌سازد و زمین را زیر پای
آنها خالی می‌کند. ولی دلیلی برای
نگرانی وجود ندارد، یک لنین
واقعی و اصل را در شرایط واقعی
تصور کنید و برای خود تضاد
نمایید: شاید او می‌توانست طور
دیگری سخن گوید و همانگونه که
بعداً لنین گفت: "بیرحمی زندگی
ما، که نمی‌توانیم آن را چاره کنیم،
درک و تایید خواهد شد. نسل آینده
ما را درک خواهد کرد." منظور او
این نبود که بگوید این اقدامات
خوب و یا حتی ایده‌آل بودند. کل
مطلب اینست که شرایط
نوق‌العاده، اقدامات فوق‌العاده
می‌طلبید.

شاتروف: در مورد تساوت‌های
بلشویک‌ها سخنان زیادی
می‌گویند. آیا واقعیت امر چنین
نبوده است؟ مسلماً چنین بوده
است. حال آیا کاردهای سفید نیز
بیرحم نبودند؟ جنگ داخلی یک
تراژدی ملی، بیرحمی در همه‌سو
بود.

لوگنیف: امروز ما باید این را
در حدی وسیع‌تر از همیشه
به‌خاطر بیاوریم.

شاتروف: لنین جنگ داخلی را
پیش‌بینی کرده بود. در سپتامبر
۱۹۱۷، زمانی که وی پیشنهاد کرد
منشویک‌ها و اس‌ا را برای اجتناب
بقیه در صفحه ۱۰

چرا کمونیست هستیم

از مجله صلح و سوسیالیسم ژوئن ۱۹۸۹

بقیه از صفحه آخر

بر میسر م. روسیه عقب مانده در طی چند دهه به یکی از دولت های راهبر جهان تبدیل شد.

وجودیت اتحاد شوروی به تنهایی طبقات حاکم کشورهای سرمایه داری را وادار کرد از ترس تکرار نمونه انقلاب اکتر، مطالباتی را که تا دیروز نادیده می گرفتند در قبال زحمتکشان بر سمیت شناسند، بی تردید اتحاد شوروی نقش اصلی را در درهم شکستن فاشیسم هیتلری ایفا کرد و همه جهان را از یوغ فاشیست ها نجات داد. سوسیالیسم مشارکت قدرت مندی در فروریضن استعمار انجام داد.

مسلمانی دلیلی ندارد دشمن خود را بر این حقیقت ببندیم که کشورهای سوسیالیستی هنوز قادر نشده اند برای مردم خود چنان سطح زندگی که در کشورهای پیشرفته سرمایه داری وجود دارد متحقق سازند. از سوی دیگر من در خیابان های مسکو هرگز هزاران بی خانمان که شب را در خیابان به روز برسانند، ندیده ام در حالی که این پدیده را نه فقط در پایتخت های کشورهای "جهان سوم" بلکه در شهر های کشورهای غربی نیز مشاهده کرده ام.

بله، در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی هنوز مشکل مسکن و سایر مسائل عاجل وجود دارد اما در آنجا از جایگاه عدالت سوسیالیستی تلاش میشود بر این مشکلات قلبه شود.

پرسش: چه چیزی از رنج ادوار گذشته و "ارمان گرائی" کمونیست ها، از آگاهی به رسالت تاریخی و پیشاهنگ پر شوروی که توده ها را به یک اتوپی رهنمون میشود باقی مانده است؟

پاسخ: سوال مربوط به شور و شوق کمونیست ها را من قدری متفاوت طرح می کنم: آیا به این باور دارم که هدفی را که زندگی خود را صرف آن کردم، یعنی ایجاد یک سیستم اجتماعی را از استثمار، نابرابری و خطر جنگ، به لحاظ تاریخی جبرا متحقق میشود؟ من به این سوال همانگونه پاسخ میدهم که نیم قرن پیش پاسخ میدادم: بلی، من به آن باور دارم. در این مورد کوچکترین تردیدی

ندارم. آن سال های اندکی را که برابیم باقی مانده است، همانگونه که تاکنون کرده ام، برای این هدف والا صرف خواهم کرد. من در این بین بهتر از گذشته می دانم که راه نیل به این هدف، طولانی و مشکل است. مفهوم پیشاهنگ از سوی روزنامه آمریکائی در مفهوم یک گروه برگزیده از رهبران بکار برده میشود، همانطور که متاسفانه طی دورانی طولانی از سوی کمونیست ها نیز چنین تلقی میشد. در این مفهوم، پیشاهنگ، متحدین بالقوه را از خود می راند. اعضای حزبی که من به آن تعلق دارم از سی یا چهل سال قبل به این سو این کلمه را به این مفهوم بکار نمی برند. به عقیده ما پیشاهنگ یک حزب نیست بلکه کلا طبقه کارگر است که بمثابه نیروی اصلی قادر است در اتحاد با سایر نیروهای مردمی سیستم اجتماعی نوین را به پیروزی رهنمون شود.

پرسش: آیا هدم انعطاف، کیش شخصیت و سایر اشتباهاتی که در تاریخ کمونیسم وجود داشته است، نتایج غیر قابل اجتناب ایدئولوژی بوده است یا انحراف از آن؟

پاسخ: من هدم انعطاف، کیش شخصیت و غیره را در تاریخ کمونیسم به عنوان سرنوشت غیر قابل اجتناب نمی بینم. در هر مورد مشخص امکاناتی برای طی راه هایی دیگر نیز موجود بود. من بر این باورم که اگر زحمتکشان در کشوری با سنت های دمکراتیک پایدار به قدرت می رسیدند، سوسیالیسم شکل کاملا دیگری به خود می گرفت. اگر کمونیست های شوروی از توصیه لنین پیروی کرده و استالین را از دبیرکلی برکنار می کردند، شاید تاریخ چنین دردمند جریان نمی یافت. اگر استالین از سیاست اقتصادی نوین که یک دوران گذار طولانی را پیش بینی می کرد انحراف نمی جست، تکامل جامعه شوروی می توانست به مراتب پر حاصل تر باشد.

من در اینجا مایلم عقیده ای را ابراز کنم که شاید از نظر بعضی ها غیرهادی به نظر آید: کمونیست های همه کشورها

درست به همت آنکه از جنایات استالین خبر نداشتند، اشکال حمل بلشویک ها را رونویس کردند. این یک همل فیرمارکسیستی است. حزب کمونیست اتحاد شوروی در چارچوب شرایط ویژه ای رشد کرد. به عنوان نمونه نظرات لنین درباره ساختمان حزب تحقق خود را در یک ساختار سازمانی یافت که شاید بر موقعیت توده های روسیه منطبق است اما اصلا برای کشورهای نظیر کشور ما که در آنها سنت های دمکراتیک طولانی و تجارب عظیم مبارزه زحمتکشان برای احقاق حقوق خود موجود است نامناسب بوده است.

پرسش: آیا با این ادها موافقتی که کمونیست ها امروز دیگر از یک سیستم واحد باورها و تصورات مشترک درباره آینده برخوردار نیستند؟

پاسخ: کمونیست های کشورهای مختلف سال ها است که دیگر یک مرکز و تشکیلات بین المللی ندارند. اما این به مفهوم آن نیست که آنها دیگر چیز مشترکی نیز ندارند. بسیار چیزها هست که ما را اگر چه نه به شکل یک جنبش واحدا محاذق به صورت یک خانواده بزرگ که اعضای آن متعلق به نسل های مختلفند و نسبت های خانوادگی متفاوتی با یکدیگر دارند، همبسته می کند. کمونیست ها دارای مشخصاتی هستند که آنها را از سایر احزاب متمایز می کند و آن همانیک موضع فلسفی مشترک در برابر جهان است. ما همه متفق القولیم که باید مبارزه زحمتکشان در راه یک جامعه عادلانه را مورد پشتیبانی قرار داد. همه ما را همبستگی با خلق هایی که بر علیه ستم می جنگند متحد می کند. مادر نفی جنگ اتفاق نظر داریم. در همین حال ما را اختلاف نظراتی پیرامون چگونگی دگرگون سازی جامعه و تحقق این یا آن هدف از هم جدا می کند. اما این نباید مانعی جهت توسعه روابط تنگاتنگ و رفیقانه بین احزاب باشد.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که مارکسیسم اعتبار روشنفکرانه خود را از دست داده است؟ آیا برای شما در مارکسیسم چیز مقدسی وجود دارد، اگر وجود دارد چه چیزی؟

پاسخ: در تحلیل نهایی امر تعیین کننده برای اعتبار یک مکتب، مقایسه آن با سایر مکاتب است. آیا امروز یک مکتب اجتماعی وجود دارد که از نقطه نظر معنوی یا سیاسی قادر به

رقابت با مارکسیسم باشد؟ من قادر به یافتن آن نیستم. این اشتباه است که هر چه را مارکس نوشته است با مارکسیسم یکی بگیریم یا همه حدسیات او را درست بپنداریم و یا محتوای حقیقی تئوری مارکسیستی را فقط بر اساس تحقق همی آن در کشورهای سوسیالیستی بسنجیم. مارکس یک انسان بود، اما هیچ انسانی از اشتباه مبرا نیست و ادامه دهندگان مارکس اشتباهات بیشتری مرتکب شدند. اما آنچه بلا تغییر و امروز نیز به مانند سابق معتبر است، روش دیالکتیکی او و مجموعه ابزار تحلیلی اوست که مبتنی بر نظریه مادی تاریخ است که باید با ملاحظه واقعیت تغییر یابنده به کار برده شود.

پرسش: آیا هرگز از کمونیست بودن شرمگین شده اید؟ به چه علت برای تعلق خود به یک حزب کمونیست احساس فرور می کنید، این تعلق چه چیزی برای شما به ارمغان می آورد؟

پاسخ: من بخاطر باورهای کمونیستی خود هرگز شرمنده نشده ام. البته این به مفهوم آن نیست که من بعضی اوقات بخاطر رفتار دیگران سرخ نشده باشم. هنگامی که ما به وسیله سخنرانی خروشچف در کنگره ۲۰ حزب کمونیست اتحاد شوروی از حقیقت مربوط به استالین مطلع شدیم از اینکه رهبری چنین حزبی را که چنین جنایات و افعال وحشتناکی را مرتکب شده بود، پشتیبانی کردیم برخود لرزیدیم. من با ورود واحدهای نظامی اتحاد شوروی و کشورهای متحد آن به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ و با دخالت نظامی شوروی در افغانستان موافق نبودم. به عقیده من چنین اقداماتی با کمونیسم بیگانه است و بنابراین من نمی توانم برای آنها تعهد اخلاقی بپذیرم. اما از سوی دیگر آنها نباید مقیاس نمایی موضع گیری در برابر اتحاد شوروی قرار گیرد زیرا که نتیجه جوهر کمونیستی آن نیستند. من چه در گذشته چه اکنون از اینکه کمونیست هستم و به جنبشی تعلق دارم که برای سعادت انسان ها بزرگترین تحول اجتماعی را در تاریخ به انجام رسانده است، احساس فرور می کنم. این تعلق چیزی برای من به ارمغان آورده است که با هیچ چیز دیگر قابل قیاس نیست و آن هبارت است از معنا و مفهوم زندگی من.

تراژدی جنگ در لبنان

تأملی بر روی برخی ...

بقیه از صفحه ۸

قسمتی از خاک جنوب لبنان را در اشغال دارد و دولت عراق که تا مین کننده اصلی سلاح برای واحدهای ژنرال هون بشمار می رود در جنگ علیه دشمن سوری خود از هیچ چیزی، از جمله ریخته شدن خون مردم لبنان، پروا ندارد.

حضور نیروهای نظامی ژنرال هون بزرگترین مانع صلح در لبنان است. ولید جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست ترقیخواه لبنان، در این خصوص گفت: "من نمی توانم سر خود راه یک خونناکی نظامی از نوع خونناکی آمریکای لاتین و افریقا تحویل بدهم"

دولت سوریه که از مدت ها پیش واحدهای خود را برای جدا کردن طرفهای درگیر وارد لبنان کرده است طی مدت طولانی از دخالت در نبردها خودداری کرد. نیروی مقاومت لبنان که حزب کمونیست لبنان، حزب سوسیالیست ولید جنبلاط، و نیروهای جنبش امل را در بر می گیرد در هفته های پیش تلاش بسیار کردند تا به جنگ پایان داده شود. آنها تلاشهای میانجی گرانه اتحادیه عرب را جهت ایجاد توافق برای مباحثه پیرامون تشکیل یک دولت واحد لبنان، مورد حمایت قرار دادند. اما ژنرال هون خواستار راه حل قهرآمیز بوده و هست. بنابراین بعید بنظر می رسد فراخوان شورای امنیت سازمان ملل آتش بس درازمدتی را تحقق بخشد.

ولی هر بار اینکار نه به خاطر فشار نویسنده و نه به خاطر حمایت مقامات بالا بود. اینکار همواره نتیجه جنبش همگانی در دفاع از این نماینده ها بود. مردم همه با هم برای به روی صحنه آمدن این نماینده ها اصرار می کردند. بروی صحنه آمدن هر نماینده معامله ای با بوروکرات ها نبود، بلکه همواره به معنی یک دستاورد بود.

شاتروف: من در آن روزها سعی می کردم به مردم بگویم که آنچه در زندگی خارج از صحنه نمایش می گذرد ربطی با آنچه که لنین به خاطرش مبارزه می کرد و آنچه را که خوابش را می دید، ندارد. بنابراین چرا باید از آنچه که در سی سال گذشته انجام می دادم دست بردارم؟

هفته نامه هصر جدید - شماره ۱۷،
۲۵ آوریل - اول مه ۱۹۸۹

از پشتیبانان اصلی مارونیا میباشند دولت سوریه را مسئول درگیری های خونین اخیر قلمداد کردند.

در این میان شرایط زندگی در بیروت وضع اسفناکی پیدا کرده است. محله های تمام و کمالی به ویرانه بدل شده اند. برقی شهر تقریباً قطع شده و کسی جرئت پا گذاشتن در خیابان را ندارد.

دبیرکل سازمان ملل متحد شورای امنیت را فراخواند تا به پایان درگیریهای نظامی لبنان مساعدت کند. این شورا طی بیانیه ای از همه طرف های درگیر خواست آتش بس کامل و فوری برقرار کنند.

بالاخره پس از ۷ روز نبردهای خونین در روز ۱۷ اوت حدت جنگ در لبنان فروکش کرد. این امر در پی فراخوان شورای امنیت سازمان ملل متحد انجام شد. اما هلل و انگیزه های این جنگ از بین نرفته است. هلل اصلی تشنجات را باید در اهداف و عملکرد ژنرال هون یانت که مایل است حیطه نفوذ خود را از بیروت شرقی به سراسر لبنان گسترش دهد. هون خود آشکارا اظهار کرده است که در این راه از نابودی کامل بیروت نیز باکی به دل راه نمی دهد. متحدین هون هبارتنده از چریک های فالانژیست که شهرتشان بطور لاینفک با قتل عام های اردوگاه های فلسطینی در صبرا و شتیلا در بیروت غربی پیوند خورده است. دولت اسرائیل که تا به امروز

انقلاب و "بلشویک ها" می شد. این نمایشنامه ها هاقبت به روی صحنه آمدند، این طور نبود؟

شاتروف: این واقعیت که نمایشنامه ها به چاپ رسیدند به این معنی نیست که آنها زمانی در توقیف نبودند و از روی صحنه آمدن آنها جلوگیری نمی شد. همواره مبارزه وجود داشته و همواره تصفیه نیز بوده است. و اما راجع به چهار سری فیلم درباره لنین که او لیا نوف را برجسته می ساخت؟ آنها را به مدت ۲۰ سال در طاقچه گذاشتند. نوول "نوریه" که با همکاری لوگینف نوشته ام چند روز پیش به چاپ رسید. باید به شما یادآوری کنم که در ۱۹۸۲ ویرایش کامل "نوریه" در چاپخانه ساوتسکی میسائل از بین برده شد.

لوگینف: خوب، نمایشنامه های شاتروف به روی صحنه آمدند و مردم در دوره رکود آنها را دیدند.

بقیه از صفحه آخر

ترقیخواه حملات خود را که با آتشبار سنگین توپخانه همراهی می شد علیه قسمت مسیحی نشین و مقر رهبر دولت نظامی مسیحی، ژنرال میشل هون متمرکز کردند. در این نبردها که بیش از ۱۰ روز است که تداوم دارد تاکنون صدها نفر کشته شده اند. ساکنان بیروت در حین مناقشات هفتگه گذشته فقط فرصتهای کوتاهی بدست آوردند که پناهگاه را به منظور دتن مرده های خود و تهیه غذا ترک کنند. تعداد قربانیان جنگی که از پنج ماه پیش تاکنون میان ژنرال هون و نیروهای سوسیالیست ترقیخواه جریان دارد طبق آمار بیمارستان ها ۶۹۶ کشته و ۳۱۰۴ زخمی بوده است. تاکنون بیش از ۹۰ درصد ساکنان بیروت این شهر را ترک گفته اند. "هون" که به قصد اخراج ۳۳۰۰۰ سرباز سوریه از لبنان آغازگر جنگ بوده است گفت تا زمانی که سوری ها از خاک لبنان خارج نشده اند آتش بس برقرار نخواهد شد.

در این بین سوریه اعلام کرد باید با فشار بین المللی رهبر مسیحیان مارونی، ژنرال هون را وادار کرد آتش بس را پذیرفته و به جنگ لبنان پایان دهد. وزیر اطلاعات سوریه گفت باید عراق و اسرائیل را فراخواند تا به کمکهای نظامی خود به "هون" پایان دهند.

دولتهای اسرائیل و آمریکا که

قادر به درک او نبودند؟ به این عبارت از نامه کروپسکیا به زینوویف توجه کنید: "من فکر می کردم آیا زمانی که نزدیک ترین رفقای وی اینگونه با او رفتار می نمایند، او را جدی نمی گیرند، و نظرات او را تصریف می کنند، بیماری او بهبود خواهد یافت؟" این کلمات مضمون نمایشنامه من به نام "کناره گیری" خواهد بود که اکنون شروع کرده ام.

هصر جدید: زمانی که اخیراً از یک مقاله فهمیدم شما در زمان رکود "ترقی کرده اید"، متعجب شدم. ایده مقاله این بود که نمایشنامه های شما روی صحنه می آمدند و آثارتان به چاپ می رسیدند. رد دومی آسان است: تمام آثاری که قبل از دوره پرویسترویکا روشنائی روز را دیدند آثاری محدود بودند که شامل "ششم جولای"، "بخاطر

از جنگ داخلی باید قدرت را بگیرند و آنها از قبول مسئولیت امتناع نمودند، این بلشویک ها نبودند که در جنگ داخلی اولین اقدام را انجام دادند.

مسئله مهم دیگر اینست که انقلاب اکتبر به این دلیل به وقوع پیوست که شعارهای انقلاب فوریه هلی نشدند. دولت موقت یک سیاست ضد مردمی را ادامه داد و در نتیجه، موقعیت انقلابی را بوجود آورد.

لوگینف: لنین در ۱۹۲۰ سخنان زیر را درباره منشویک ها و سوسیالیست های انقلابی گفته است: "آیا اگر شما واقعا انجام یک فرم اجتماعی را به عهده می گرفتید، آنقدر احمق بودیم که انقلاب را آغاز کنیم؟"

شاتروف: این دلیل واقعی انقلاب اکتبر بود! این مضمون امروز هم واقعیت دارد: "آیا اگر شما واقعا فرم های اجتماعی را آغاز می کردید هیچ احمقی در جهان به انقلاب متوسل می شد؟" تشکیل جبهه های مردمی در جمهوری های بالتیک و سایر بخش های کشور پاسخ مردم است به اقدامات غیردموکراتیک کارمندان بوروکرات. انتخابات گذشته بار دیگر نشان داد که دمکراتیزه کردن کمیته های حزبی نمی تواند با آمال دمکراتیک توده های مردم همگام باشد و اگر دستگاه دولتی از این درسها نیاموزد و خود را با توده های مردم مرتبط سازد، از قافله عقب خواهد ماند.

هصر جدید: شما به عنوان یک نمایشنامه نویس، شما را خرد کردید و لنین را به گونه یک انسان ترسیم نمودید. هر یک از نمایشنامه های شما یک کشت و یک العام است. آیا اکنون در اوضاعی که جامعه بتدر کانی تا حدی که دچار شوک نشود از تاریخ می داند، کار شما مشکل تر نیست؟

شاتروف: به عنوان یک نویسنده برای من سخت تر است. می دانید، امروز ما باید دید همیق تری از همیشه به تراژدی آن زمان ها و به شخصیت لنین داشته باشیم. این کار میدان وسیعی برای کوشش خلاق به ما می دهد. خود من، از این سؤال رنج می برم که در ۱۹۲۳ واقعا چه گذشت. چگونه کسانی که سالها با لنین کار کرده بودند از او بریدند؟ چرا آنها

پایان همز کنترادر نیکاراگوئه فرار سید

در پی تصمیمات سران ۵ کشور در اجلاسی که دو هفته پیش در هندوراس برگزار شد، نیروهای مسلح هندوراس یک کمربند امنیتی پیرامون اردوی ضدانقلابیون نیکاراگوئه (کنترا) که مورد حمایت دولت آمریکا هستند ایجاد کردند. بنا به گزارش روزنامه هندوراسی ال هراالدو حکومت "خوزه اتسکونا" رئیس جمهور هندوراس، می خواهد به این وسیله از هزیمت شورشیان کنترا که تعدادشان ۱۰۰۰۰ نفر برآورد می شود به داخل خاک هندوراس، ممانعت کند.

سران ۵ کشور آمریکای مرکزی در دیدار خود تصمیم به انضال و به مهاجرت واداشتن نیروهای شورشی که علیه دولت نیکاراگوئه در جنگ بسر می برند، گرفتند.

"آدولفو کالرو" رهبر شورشیان، در مقابل گفت کنترها مصوبات اجلاس ۵ کشور را به رسمیت نمی شناسند و فقط حاضرند مسلمانان به نیکاراگوئه بازگردند.

دولت آمریکا از زبان برنارد ارونسون تصد خود را دال بر ادامه فشار بر دولت نیکاراگوئه اعلام کرد. او به کشورهای اروپایی هشدار داد که اقدام به حمایت مالی از دولت نیکاراگوئه نکنند. دولت آمریکا تاکنون بر حفظ واحدهای دست راستی کنترا تا انجام انتخابات در نیکاراگوئه پافشاری کرده است.

از هم اکنون کارزار انتخاباتی در نیکاراگوئه آغاز شده است. پس از حزب کارگری انقلابی تروتسکیستی، حزب سوسیال مسیحی نیز کاندیدای خود را برای ریاست جمهوری نیکاراگوئه

معرفی کرد.

در این بین گزارش می رسد که نیروهای کنترا شروع به خرید زمین در کشور هندوراس کرده اند تا از اراضی خود جلوگیری کنند.

دانیل اورتگا، رئیس جمهور نیکاراگوئه از دولت آمریکا خواست به شورشیانی که مایل نیستند به نیکاراگوئه بازگردند پناهندگی سیاسی بدهد. وی گفت: "ایالات متحده آنها را به سوی مرگ فرستاد و اکنون باید اجازه دهد تا دوباره زندگی کنند."

به این ترتیب برهنگان آشکار شده است که دوران کنترابه پایان رسیده است. دولت های آمریکای مرکزی نه تنها اراده سیاسی خود را جهت پایان دادن به درگیری های نظامی به نمایش گذارند بلکه با تدابیر قاطع خود دولت ایالات متحده آمریکا را در مقابل یک عمل انجام شده قرار دادند. این دولت ها در "احیاط خلوت آمریکا" برگی جدید از تاریخ کشورهای آمریکای لاتین را نوشتند. آنها در مقابل فشار نظامی و اقتصادی آمریکا به راه حلی سیاسی دست یافتند که طریق برون رفت از دایره زور و دخالت نظامی را نشان می دهد. مصوبات اجلاس سران ۵ کشور به معنای پایان موجودیت سازمانیست که به وسیله ایالات متحده ایجاد شده و محبوب ترین اولاد سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا محسوب می شد. کنترا به مثابه ابزار سیاست آمریکا شکست خورده است. اکنون آمریکایی ها ناچارند یاد بگیرند که چگونه با کشور نیکاراگوئه که در آن ساندینیست ها کماکان قدرت سیاسی فرا دست خواهند بود، هم زیستی کنند.

جلوگیری از مداوای فلسطینی ها توسط اسرائیل

گروهی از پزشکان اسرائیلی و فلسطینی علیه رفتار مقامات اشغالگر اسرائیل در نوار فزه اعتراض کردند.

این گروه در یک کنفرانس مطبوعاتی در اورشلیم افشا کرد که واحدهای نظامی اسرائیلی از مداوای مجروحین زخمی فلسطینی جلوگیری می کنند. از هنگام آغاز تیام در مناطق اشغالی، نیروهای اسرائیلی تاکتیک جدیدی در پیش گرفته اند

"استفاده از امکانات درمانی بعنوان یک وسیله سرکوب مردم!" بنابه گفته این گروه از پزشکان به امکانات درمانی در نوار فزه کاملاً بی توجهی شده است در نوار فزه به نسبت ۱۴۰۰ نفر جمعیت یک پزشک وجود دارد اما برای اسرائیل در ازای هر ۲۰۰ نفر یک پزشک موجود است. پزشکان در گزارش خود افزودند که مقامات اسرائیلی از کار دهها پزشک هرب در نوار فزه ممانعت بعمل می آورند.

هونکر: غرب قادر نیست چهره انسانی سو سیالیسم

را تحریف کند

شود که در قلعه های سرمایه داری این را طبیعی می دانند که بیکاری توده ای، مشکل مسکن و فقر و نداری نوین شاخص نظامشان باشد. سو سیالیسم تنها نظام اجتماعیست که در آن کار انسان مورد سو استفاده قرار نمی گیرد بلکه برای سعادت انسان ما بهره برداری می شود.

هونکر افزود: ما برای برداشتن قدم های نوین کیفی آماده ایم جامعه سو سیالیستی پیشرفته در آلمان دمکراتیک به دستاوردهای کنونی خود بسنده نخواهد کرد. دوازدهمین کنگره حزب سو سیالیست متحده آلمان در ماه مه سال آینده پیرامون وظایف حزب در دهه ۹۰ مشاوره کرده و تصمیم خواهد گرفت.

اریش هونکر رهبر حزب سو سیالیست متحده آلمان دمکراتیک و رئیس جمهور این کشور، در مقابل موج گسترده حمله رسانه های غرب علیه سو سیالیسم، سخنانی ایراد کرد. وی با اشاره به دستاوردهای انقلاب هلمی - فنی و بسط سیاست تامین اجتماعی در آلمان دمکراتیک گفت: به این ترتیب اثبات می شود که فریاد پیروزی مطبوعات غربی پیرامون شکست سو سیالیسم، پیشیزی ارزش ندارد. ابتکار بزرگ زحمتکشان در آلمان دمکراتیک، سخن قدیمی جنبش کارگری آلمان را مبنی بر اینکه هیچ چیز قادر به بازداشتن سو سیالیسم نیست، تایید می کند.

چهره انسانی سو سیالیسم نمی تواند توسط کسانی تحریف

تجاوز نظامی آمریکا به خاک پاناما

نظامی خود را در پایتخت پاناما ادامه دادند. چندین هلیکوپتر ارتشی در مقابل دیدگان متعجب و نگران تماشاگران در سطح شهر پرواز کردند یکی از آنها بر فراز ساختمان سفارت آمریکا ۲۲ نظامی مسلح را به داخل سفارت فرستاد.

این سربازان که به ادعای سخنگوی سفارت آمریکا محافظت از سفارت را تمرین میکردند در داخل محوطه سفارت موضع گرفتند.

این سخنگو گفت که مانور مزبور در خدمت "حفظ و تحکیم حقوق" آمریکایی ها انجام شده است. او افزود که مقامات پاناما بخاطر "احترام و ملاحظه حکومت" نیم ساعت قبل از انجام مانور از آن مطلع شده اند مقامات آمریکایی اظهار کردند که ۱۳۰۰۰ سرباز آمریکایی در پاناما به مانورهای خود ادامه خواهند داد تا آمادگی جنگی خود را برای حمایت از زندگی آمریکایی های مقیم پاناما حفظ کنند.

در این بین جرج بوش، ریودن مانوئل نوریگا، فرمانده نیروهای مسلح پاناما را توسط سازمان امنیت آمریکا منتفی دانست. او گفت "من وظیفه خود میدانم چنین افرادی را در مقابل دادگاه بنشانم."

و خامت مناسبات میان آمریکا و پاناما پس از عبور ۱۲ تانک واحدهای کوماندویی آمریکا از پایتخت پاناما افزایش یافته است. این اقدام تهدید آمیز و تحریک کننده آمریکا، پاناما را در آستانه یک رویارویی مسلحانه قرار داده است.

سخنگویان نظامی آمریکایی هلت حرکت واحدهای نظامی را تضمین امنیت عبور و مرور پست ارتش اعلام کردند. تانک های آمریکایی حدود ۳۵ کیلومتر از خاک پاناما را در نور دیدند.

در حالی که تشنج اوضاع میان آمریکا و پاناما ادامه دارد، "مانوئل نوریگا" پرده از راز مرگ همرتوریخوس، رئیس جمهور سابق پاناما، برداشت. او گفت که توریخوس بر خلاف آنچه تا به حال رسماً اعلام شده بود در یک تصادف کشته نشده بلکه بقتل رسیده است.

پس از مرگ توریخوس در یک گزارش تحقیقی رسمی ستوط هوایپمای وی یک تصادف قلمداد شده بود. اما افراد خانواده رئیس جمهور سابق که از سال ۱۹۶۸ در این مقام بود همان وقت سازمان امنیت آمریکا، سیا، را متهم به قتل توریخوس کرده بودند.

پس از آن واحدهای نظامی آمریکایی مستقر در پاناما مانور

تراژدی جنگ در لبنان

تحولات حاد سیاسی در لهستان

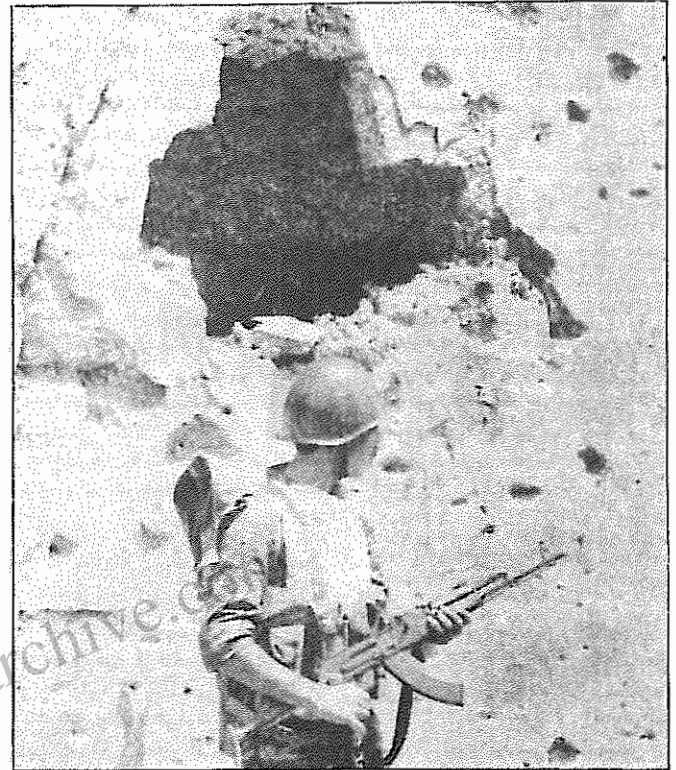
یک ائتلاف وسیع ناکام ماند و استعفاداد.

پس از استعفای چسلاو کیسچاک در روز سه شنبه ۱۵ اوت خبر توافق میان "همبستگی" و کمونیست‌ها انتشار یافت. لخ والسا به عنوان کاندیدای نخست‌وزیری مطرح شد. والسا گفت فراکسیون "همبستگی" برای تشکیل ائتلاف با کمونیست‌ها آماده است. وی افزود: اپوزیسیون قصد آن را ندارد لهستان را از پیمان ورشو بیرون کشد، او تصمیم کیسچاک به استعفا را مورد استقبال قرار داد و آن را نشانه احساس تعهد نسبت به لهستان خواند. وی افزود که قصد آن را ندارد نخست‌وزیر شود. اتحاد شوروی در روز ۱۶ اوت از سخنان والسا در ارتباط با موضوع وی دال بر ادامه حضور لهستان در پیمان ورشو استقبال کرد. بقیه در صفحه ۷

چسلاو کیسچاک که سه هفته قبل به نخست‌وزیری لهستان برگزیده شد در هفته گذشته مجدداً از "اتحادیه همبستگی" خواستار مشارکت در یک ائتلاف وسیع گشت. کیسچاک طی یک اطلاعیه مطبوعاتی اعلام کرد که مایل است در اسرع وقت با لخ والسا، رهبر "اتحادیه همبستگی" ملاقات کند. والسا در طی هفته قبل از آن، به حزب متحده دهقانی و حزب دمکرات که در دولت قبلی مشارکت داشتند پیشنهاد کرد مشترکاً یک ائتلاف تشکیل دهند. کیسچاک طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که امید ایجاد یک ائتلاف وسیع را از دست نداده است. وی گفت شخصیت‌های معتبر از گروه‌های مختلف اپوزیسیون ورود به کابینه او را مورد بررسی قرار می‌دهند. اما یک روز پس از آن وی در تشکیل

سرگزراتد. واحدهای سوری و نیروهای حزب سوسیالیست بقیه در صفحه ۱۰

بیروت، پایتخت لبنان، در روز یکشنبه ۱۳ اوت سنگینترین نبردها را طی ۱۴ سال گذشته از



"چرا کمونیست هستیم"

از مجله صلح و سوسیالیسم ژوئن ۱۹۸۹

در اوایل سال جاری میلادی روزنامه نیویورک تایمز به وسیله ۲۶ خبرنگار در ۲۳ کشور جهان مصاحبه‌هایی با ۵۰ کمونیست ترتیب داد. مجله صلح و سوسیالیسم نیز همین همین سئوالات را از تعدادی از کمونیست‌های کشورهای مختلف به عمل آورد. مادر این شماره مصاحبه با برت راملسون، کمونیست قدیمی انگلیسی، را برای درج در نشریه برگزیده‌ایم. برت راملسون متولد ۱۹۱۰ است و در جنگ‌های داخلی اسپانیا و جنگ جهانی دوم شرکت داشته است.

پرسش: به نظر نشریه نیویورک تایمز روند اصلاحات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای

سوسیالیستی را برمی‌انگیزد اما در همین حال نگرانی‌هایی را نیز پدید می‌آورد زیرا کمونیست‌ها باید اکنون اعتراف کنند که آن قربانی‌های بزرگ و مبارزات و محرومیت‌های پررنج در بخش اعظم خود بیهوده بوده است. اعتقاد میلیون‌ها انسان خود را ناامید نشان داد. شما در این باره چگونه فکر می‌کنید؟

* پاسخ: این ادعا که مساهی مردم شوروی بیهوده بوده است کاملاً نادرست است. چنین ادعایی نه نشانه تلاش جهت شناخت واقعی موضوع بلکه نشانه یک آنتی‌کمونیسم غیر قابل اصلاح است. کاملاً برعکس، این مساهی چهره جهان را تغییر داده است. من فقط برخی واقفیت‌ها را بقیه از صفحه ۹

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> يك ساله
≈ ۲۴	≈ ۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	نشریه "اکثريت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
≈ ۵۸	≈ ۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
≈ ۱۱۵	≈ ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 271

MONDAY, 21 AUG 89

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
IBANK FUR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI
NR. 02910701.650
DR.GERTRAUD ARTNER